

۵. تک: امیر خسرو دهلوی، *قرآن السعیدین*، ۵۳-۵۵.

۶. مسجد پادشاهی لاهور با طرحی شبیه به این مسجد در ۱۰۸۴ ق بنا شد. بر پیشانی این مسجد، قاب‌هایی شبیه به جامع دهلی منظور شده؛ اما فاقد نوشته است. بر پیشانی سردر این مسجد، کتابهای کوتاه مختصری به این مضمون هست: «لا اله الا الله / مسجد ابوالظفر محی‌الدین محمد عالم‌گیر پادشاه غازی سنه هزار و هشتاد و چهار هجری اتمام یافت.» به اهتمام کمترین خان‌زاد [...] (متن کتبه از روی عکس قرائت شد.) عکس‌های مسجد پادشاهی لاهور را دوست گرامی جناب آقای سید عمادالدین خضرائی در اختیار نگارندگان قرار داد. از ایشان سپاس گزاریم.

۷. توبه (۹): ۱۰۸.

۸. توبه (۹): ۱۸. ﴿لَئِنَّمَا نَعْتَرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يُحْسِنِ إِلَّا اللَّهُ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ﴾ «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز یازیسیم ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا ترسند؛ پس امید است که ایشان از راه‌یافتگان باشند.»

۹. توبه (۹): ۱۰۸. ﴿لَا تَعْمُرُوا فِيهِ أَيْدِي الْمَسْجِدِ أُسِّسَ عَلَيْهِ الثَّلَاثُونَ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَدٌ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ مُحْتَبُونَ أَنْ يَنْطَلِقُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ﴾ «هرگز در آن جا مایست؛ چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی. [و] در آن، مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند، و خدا کسانی را که خواهان پاک‌اند دوست می‌دارد.»

۱۰. لقمان (۳۱): ۱۰.

۱۱. دهخدا یکی از معانی کلمه را «کلس که بر سر گنبد نهند» ذکر کرده و در حاشیه نوشته است که «معنی اخیر در کتب معتبر لغت دیده نشد.»

۱۲. «کلس، [ک] در هندی قبه را گویند که بر گنبد عمارت و بروج و مساجد و کنگره‌های عمارات نصب کنند. (عبات).» *لقمان‌نامه* دهخدا، ذیل «کلس».

۱۳. نجم (۵۳): ۹.

۱۴. نجم (۵۳): ۲۳.

۱۵. یونس (۱۰): ۲۵.

۱۶. نجم (۵۳): ۳۱.

کتابنامه

امیر خسرو دهلوی، *قرآن السعیدین*، با پیش گفتار احمد حسن دافی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۷۲.

کُنج، ابا، معماری هند در دوره گورکانیان، ترجمه حسین سلطانزاده، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۳.

هولو، رناتا (و.)، *اصفهان در مطالعات ایرانی*، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.

پارشاطر، احسان، «ادبیات دوره صفوی: پیشرفت یا انحطاط»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، در: رناتا هولو، *اصفهان در مطالعات ایرانی*، ۲۶۸-۲۱۷.

حکایت کرده و عذوبت ماء معین/ حوض دلنشین نظافت‌امایش
از چشمه سلسبیل خبر داده؛ در روز جمعه دهم شهر شوال/
سال هزار و شصت هجری موافق سال چهارم از دور سیوم جلوس
میمنت‌مانوس، بساعت خجسته

[قالب ۷:]

و طالع شایسته، سرمایه ابتدا و پیرایه تأسیس یافت و در عرض مدت
شش سال مجلس سعی/ کاربردان کارگران کارگزار و فرط اعتنا
و اهتمام کارفرمایان صاحب‌اقدار و بذل جد/ و جهد استادان
ماهر دانشور و وفور کوشش پیشه‌کاران چابک‌دست صاحب‌هنر
و اتفاق/ مبلغ ده لک روپیه، صورت انجام و طراز اختتام پذیرفت و
مقارن اتمام در روز عید فطر،

[قالب ۸:]

بقر قدم اقدس پادشاه ظل‌الله صافی‌تبت خداآگاه زب و
زینت گرفت و با قامت نماز عید/ و ادای وظایف اسلام، چون
مسجد الحرام در روز عید اضحی مرجع طوایف امام گردید/ و
میانی اسلام و ایمان را ستانت و رضانت کرامت فرمود. سیاحان
ربع مسکون/ و مسالک‌نوردان کوه و هامون را آراسته‌عمارتی باین
رضعت و حصانت در آینه بصر

[قالب ۹:]

و مرآت خیال مُرتسم نگشته؛ و حقایق‌گزاران وقایع دهر و
فکرت‌پردازان نظم و نثر را/ که سوانح‌نگاران بدایع ارباب مُلک و
دولت و صنایع‌شناسان اصحاب مکنت و قدرتند/ افراخته بنایی
باین شکوه و عظمت بر زبان قلم و قلم زبان نگذشته، فرازنده کاخ
هستی/ و طرازنده بلندی و هستی این بنیان رفیع را، که قرآلعین
پیش و زینت بخش کارخانه آفرینش است/

[قالب ۱۰:]

بایدار داشته صدای تسبیح مُسبِحانش را هنگام‌آرایی ذاکران
مجامع ملکوت و زمزمه/ تهلیل مهلائش را نشاط‌افزای معنکان
جوامع جبروت داراد و رؤوس منابر معموره جهان را/ بخطبه دولت
جاوید طراز^(۵) این پادشاه دادگر دین‌پور که بمیامن ذات مقدس
مبارکش ابواب/ امن و امان بر روی روزگار گشاده است آراسته
داراد؛ بحق الحق و اهله/ کتبه نورالله احمد

□

پی‌نوشت‌ها:

۱. این مقاله حاصل سفر نگارندگان به هند برای شرکت در «سومین کارگاه آموزشی حفاظت و مدیریت آثار تاریخی صفوی، تیموری و گورکانی» است.

۲. برای آگاهی از ادبیات این دوره نک: پارشاطر، «ادبیات دوره صفوی: پیشرفت یا انحطاط»، ۱: ۲۶۸-۲۱۷.

۳. امیر خسرو دهلوی «حضرت دهلوی» را در مثنوی *قرآن السعیدین* این گونه وصف کرده است: «حضرت دهلوی کتف دین و داد/ جنت عدن است که آباد باد/ هست چو ذات ارم اندر صفات/ حرسها الله عن المحدثات/ [...] از سه حصارش دو جهان یک مقام/ و از دو جهان یک نفسش ده سلام/ [...] قبه اسلام شده در جهان/ بستنه او قبه هفت آسمان/ ساکن او جمله بزرگان ملک/ گوشه به گوشه همه ارکان ملک» امیر خسرو دهلوی، *قرآن السعیدین*، ۵۰-۵۲.

۴. برای آگاهی از معماری زمان شاه‌جهان، نک: کُنج، معماری هند در دوره گورکانیان، ۹۳-۱۲۴.

بفرمان شهنشاه جهان، پادشاه زمین و کیهان، خدو کشورستان گیتی،
 خداوند / گردون توان، مؤسس قوانین عدل و سیاست، مشید^(۱)
 ارکان ملک و دولت، / بسیاریان عالیه قدرت قضا فرمان قدر قدرت
 فرخند موی خجست منظر / فتح طالع بلند اختر آسمان خجست انجم سپاه
 خورشید عظمت فلک بارگاه

[قاب ۲:]

مظهر قدرت الهی، مورد کرامت ناستناهی، مظهر کلمه الله العلیا،
 مُرَوِّجُ المِلَّةِ الحَبِیْقَةِ البِیْضَا / ملجأ الملوك و السلاطین، خلیفه الله فی
 الارضین، الحاقان الأعدل الأعظم، و القآن الاجل الأکرم / ابوالمظفر
 شهاب الدین محمد صاحبقران ثانی، شاه جهان پادشاه غازی،
 لازالت ریات دولته منصوره / و اعداء حضرته مقهوره، که دیده
 بصیرت حق پیش از شعشعه انوار هدایت ﴿ اما یعمر مساجد الله

[قاب ۳:]

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ ﴿ مستبیرست و آینه ضمیر صدق گزینش
 از اشعه مشکوه روایت / ﴿ احب البلاد الی الله مساجدها ﴿
 فرخ غزدر، ابن مسجد کوماس کوردوستان که کریمه / ﴿ لمسجد
 أسس علی التقوی ﴿ بیان نیان پادار اوست و پینه ﴿ و التي فی
 الارض رواسی أن تمید بکم ﴿ کتابه ایوان / استوار او، قبه^(۲)
 قبه فلک شانش از طبقات آسمان گذشته و شرفه طاق سپهرنشانش
 باوج کیوان پیوست /

[قاب ۴:]

گر ز طاق و قبه مقصور ماش حوی نشان
 هیچ توان گمت غیر از کهکشانش و آسمان

فرد بودی قبه گر گردون نبودی تائیش
 طاق بودی طاق اگر جفتش نبودی کهکشانش

فروغ شمس پیش طاق جهانشانش روشن بخشش مصابیح
 سموات، پرو کلس^(۳) گنبد / عالم آرایش نورافزای قنادیل جئات،
 منبر سنک مومرش چون صخره مسجد اقصی مراقب

[قاب ۵:]

مقام ﴿ قاب قوسین أو أدنی ﴿^(۱) محراب فیض گسترش مانند صبح
 صادق گشاده پیشانی بشارت رسان / ﴿ ولقد جاءهم من ربهم
 الهدی ﴿^(۲) ابواب رحمت اباش صلابی ﴿ و الله یدعوا الی دار
 السلام ﴿^(۳) بمسامع خاص و عام رسانیده؛ منار سپهر مدارش ندای
 ﴿ و یجری الذین أحسنوا بالحسنى ﴿^(۴) از نه رواقی گنبد فیروز نظام
 گذرانیده؛ سقف رفیع باصفایش تماشاگاه روحانیون کوه افلاک

[قاب ۶:]

صحن وسیع دلکشانش سجده گاه پاکنوادان معموره خاک
 روحفضای فیضاتما / و طیب هوای روح افزایش از روضه رضوان

وسط:

﴿ بسم الله الرحمن الرحیم قل یا عبادی الذین أسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا
 من رحمة الله ان الله یغفر الذنوب جمیعا انه هو الغفور الرحیم ﴿

چپ:

﴿ لمسجد أسس علی التقوی من أول یم أحق أن نؤمن فیه ﴿

راست:

﴿ فیه رجال یحییون أن یتظهروا والله یحب المطهرین ﴿^(۲)

(۲) لچکی های محراب:

ذکر «یا غفار» در قالب دایره ای تحریر شده است. هر دایره
 از تکرار هشت بار ذکر «یا غفار» پدید آمده است.

(۳) کتابه ایوان

لچکی های ایوان قبلی: ذکر «یا هادی» به شکل مستدیر از
 تکرار هشت «یا هادی» پدید آمده است.

متن کتابه اصلی

[قاب ۱:]

(۲) رافراشته، بلند؛

محکم و استوار

(۳) قبه کوچک روی

گنبد

(۴) قبه، گنبد کوچک

آن گشته و درون و بیرون مسجد را به هم پیوسته است. مسجد بر طرح چهارایوانی برآمده و سه مدخل در ضلع شمالی و شرقی و جنوبی دارد؛ و مدخل اصلی در ضلع شرقی است. این سردر روبه روی لعل قلعه (قلعه سرخ) واقع شده و رفیع تر از سردرهای دیگر است.

مقصوره و شبستان اصلی مسجد در جانب غربی صحن (جهت قبله) واقع است. نمای این بخش در امتداد سطح رواق پیرامونی نیست و به سمت صحن پیش آمده است. این بخش، گنبدی در مرکز و دو گنبد کوچک تر در طرفین دارد و کف آن بالاتر از کف صحن است. پیش از ورودی این قسمت، گنبدی به قامت یک مرد، نشسته بر چهار ستون سنگی، قرار دارد. در دو گوشه شبستان، دو مناره بلند ایستاده است.

در چهار گوشه صحن، چهار برج گنبددار مستقر کرده و در مرکز صحن حوض «کوثر سرشت» بزرگی نهاده اند. این مسجد، به استناد یکی از معدود کتابه (کتیبه) هایش، در ۱۰۶۶ ق ساخته شده است. طولانی ترین کتابه مسجد کتابه ای است به خط ثلث و از مرق سنگ، در ده قاب مستقل بر پیشانی نمای اصلی صحن (نمای سمت قبله)، در طرفین ایوان، هر قاب شامل هشت سطر، مجموعاً در هشتاد سطر، است. کتابه از سنگ سیاه بر زمینه سفید حک شده است. زبان آن فارسی، موضوع آن شرح ساخت مسجد، و کاتب آن نورالله احمد است.^۹

کتابه‌ها

کتابه اصلی

بر اساس کتابه اصلی یادشده، بنای مسجد را شاه جهان «در روز جمعه دهم شهر شوال سال هزار و شصت هجری،

موافق سال چهارم از دور سیوم جلوس» آغاز کرد. ساختمان مسجد طی شش سال به انجام رسید و مبلغ ده لک^{۱۰} روبیه هزینه برداشت و مقارن یوم عید فطر افتتاح شد.

موضوع و مواد اصلی این کتابه چنین است:

(۱) وصف بانی: هشت سطر نخست کتیبه تماماً به وصف و مدح شاه جهان اختصاص یافته است.

(۲) وصف مسجد: وصف اجزا و عناصر مسجد و تشبیه و تمیز آن به ارکان و عناصر طبیعت بیشترین سطح کتابه را اشغال کرده است؛ اوصافی از این قبیل: «قبه فلک شأنش از طبقات آسمان گذشته و شرفه طاق سپهرنش باوج کیوان پیوسته»، «فروغ شمس پیش طاق جهان نمایش روشنی بخش مصابیح سموات».

(۳) تاریخ ساخت، زمان ساخت، روز گشایش، هزینه ساخت مسجد

(۴) دعا برای پایداری مسجد و دولت پادشاه

(۵) نام کاتب

نثر کتیبه شبیه به سبک دوره صفویه است؛ پر تکلف و مملو از خیال پردازی و تشبیهات اغراق آمیز. از بسیاری از این تشبیه‌ها — مثلاً «این مسجد کوه اساس گردون حماس» — مطلب دقیقی درباره مسجد به دست نمی آید. بنای مسجد هم، مانند متن کتابه، وسیع و متکلف و پرپیرایه است.

کتابه‌های محراب

(۱) کتابه رأس محراب

فرهاد نظری، ذات‌الله نیک‌زاد

کتابه مسجد جامع دهلی^۱

شکرشکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود
حافظ

گورکانیان یا تیموریان هند (۹۳۲-۱۲۷۴ق/۱۵۲۶-۱۸۵۷م) در بیشتر مدت حکومتشان هم‌عصر صفویان بودند. در زمان آنان، هنر و ادبیات رونق گرفت و سرزمین هندوستان آبادان شد. زبان رایج دربار این سلسله مسلمان فارسی بود؛ اگر چه نسب آنان به مغولان می‌رسید. هند در دوره آنان گاه با ایران مراوده و دوستی داشت و گاه رقابت و ستیز؛ اما در هر صورت، نوازش‌های کریمانه امیران گورکانی به اهل هنر و ادب ایران زمین می‌رسید؛ و همین سبب شد که بسیاری از صوفیان و سخنوران و صنعتگران و هنرمندان ایرانی روانه دربار گورکانیان شوند. اشتیاق و حمایت آنان از زبان فارسی منجر به پدید آمدن سبک هندی در ادبیات و رونق و شکفتگی هنرهای دیگر شد. ظهور امیر خسرو، امیر حسن، و بیدل در شعر و امانت‌خان شیرازی (خطاط کتیبه‌های تاج محل) در خوشنویسی از شواهد بی‌شمار این امر است.^۱

دهلی (شاهجهان‌آباد) پایتخت این سلسله بود و یادگارهای نفیسی از آن عصر در آن باقی است؛^۲ از جمله: منار قطب، لعل‌قلعه، مقبره همايون، مسجد جامع، و چندی دیگر. مسجد جامع از آثار متعدد معماری شاهجهان (حک ۱۰۳۶-۱۰۶۸ق/ ۱۶۲۷-۱۶۵۸م)، پنجمین پادشاه این سلسله، است.^۳

مسجد جامع دهلی

مسجد جامع دهلی یا مسجد شاهجهانی، بزرگ‌ترین مسجد شبه‌قاره و از مهم‌ترین مساجد تاریخی جهان اسلام، از سنگ سرخ بر بلندای پشته‌ای مشرف بر شهر دهلی ساخته شده است. امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ق/ ۱۲۵۳م)، شاعر نام‌آور پارسی‌گوی هند که مدت‌ها پیش از گورکانیان می‌زیست، مثنوی‌ای در «صفت مسجد جامع» دهلی سروده است، که البته مقصود او مسجد شاهجهانی نیست. جالب اینکه مسجدی که او وصف کرده به مسجد جامع شاهجهانی شباهت بسیار دارد.^۴ اینکه آیا مسجد شاهجهانی را بر جای مسجد قدیم و بر الگوی آن ساختند نیاز به بررسی بیشتر دارد.

این مسجد صحنی وسیع دارد و رواقی پیرامون

گورکانیان، مهم‌ترین سلسله مسلمان در هند، با صفویان در ایران هم‌عصر بودند. در دوره حومت ایشان، روابط ایران و هند گاه روئین و گاه تیره بود. زبان و خط رسمی هند و دربار گورکانیان فارسی بود و بیشتر ستون و کتیبه‌های این دوره به فارسی است. نمونه آن کتابه مسجد جامع دهلی است. جامع دهلی بزرگ‌ترین مسجد هند است و در زمان پادشاهی شاهجهان ساخته شد. این مسجد چند کتابه (کتیبه) دارد. درازترین آنها کتابه‌ای است به زبان فارسی و به خط ثلث بر پیشانی شبستان مسجد. این کتابه را در ده قاب مستطیل به رنگ سیاه بر زمینه سنگ سفید نوشته‌اند. موضوع آن احداث مسجد است؛ با این موضوعات: مدح پادشاه، وصف مسجد، تاریخ ساخت، دعا برای پایداری مسجد و دولت پادشاه، نام کاتب. موضوع کتابه‌های دیگر این مسجد ذکر پروردگار و آیاتی از قرآن است.